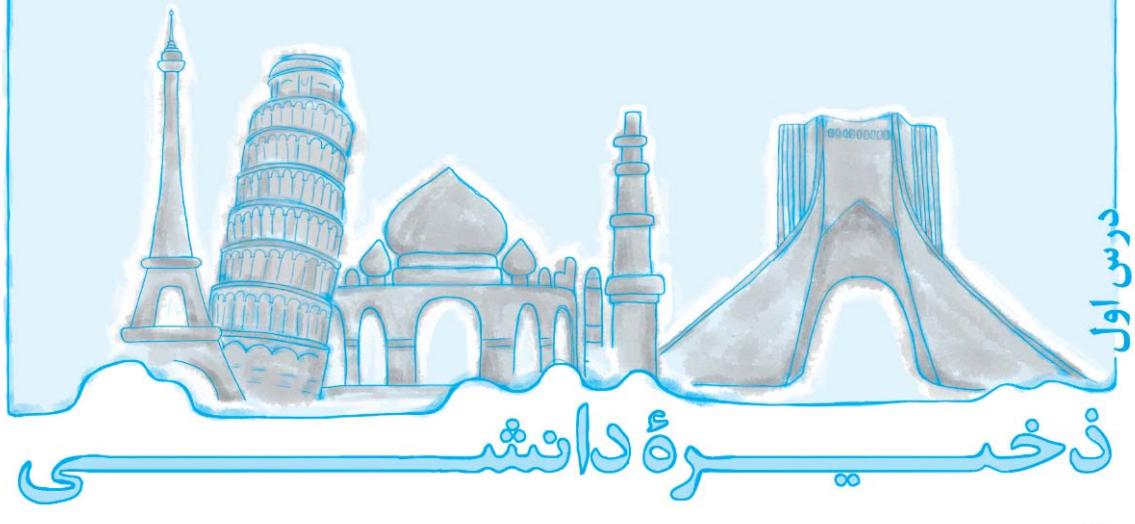


فهرست

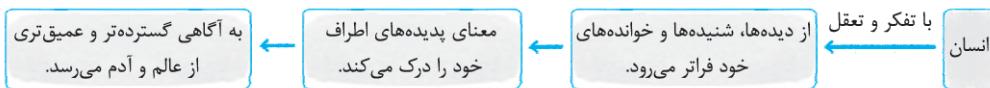
تیست‌ها	درسنامه	
۵۹	۸	درس اول: ذخیره دانشی
۶۱	۱۱	درس دوم: علوم اجتماعی
۶۶	۱۷	درس سوم: نظم اجتماعی
۷۰	۲۱	درس چهارم: کنش اجتماعی
۷۳	۲۵	درس پنجم: معنای زندگی
۷۵	۲۹	درس ششم: قدرت اجتماعی
۸۰	۳۵	درس هفتم: نابرابری اجتماعی
۸۴	۴۲	درس هشتم: سیاستِ هویت
۸۸	۴۸	درس نهم: پیشینهٔ علوم اجتماعی در جهان اسلام
۹۲	۵۳	درس دهم: افق علوم اجتماعی در جهان اسلام
۹۵		آزمون جامع
۹۹		پاسخنامهٔ تشریحی
۱۱۸		پاسخنامهٔ کلیدی



ذخیره‌دانشی

ذخیره‌آگاهی (ذخیره‌دانشی)

آدمیزاد از همون ابتدای تولد، صدای را رو می‌شنو، اطراف فودش رو می‌بینه و به تمریج این توانایی رو پیدا می‌کنه که اشیا و افراد رو از هم دیگه تشخیص بده! بعد از یه مردت، بالکمات آشنا می‌شه و می‌تونه هرف برزنه و البته این هرف زدن یه اتفاق موم توی زندگی هر آدمی محسوب می‌شه؛ پهون؛ با سخن گفتن، روند آگاهشدن انسان از جهان اطراف سرعتی شگرف می‌باشد؛ یعنی انسان تا قبل از این که بتواند سخن بگوید، تنها از راه حس (شنیدن، دیدن و ...)، جهان پیرامون خود را می‌فهمد و درک می‌کند، اما وقتی زبان به سخن می‌گشاید، راه جدیدی برای ارتباط با جهان و فهم آن، پیش رویش باز می‌شود. از زمانی که انسان قادر به سخن گفتن می‌شود، دیگر به دریافت‌های حسی خویش بسته نمی‌کند و برای شناخت جهان اطراف خود، از دانسته‌های دیگران نیز بهره می‌برد. پرسش و پاسخ از دیگران، راه دیگری برای فهم جهان هستی به روی او می‌گشاید؛ راهی که در میان موجودات دنیا، تنها برای آدمی گشوده شده است.



انسان‌ها ععمولاً از شش‌سالگی به مدرسه می‌روند و در سنین مختلف، مقاطع متفاوت تحصیلی را پشت سر می‌گذارند و دانش‌هایی را با عنایون مختلف می‌آموزند؛ از همین‌رو:

«ذخیره‌آگاهی» یا «ذخیره‌دانشی» عبارت است از هر آنچه که افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی خود، مطالعات مدرسه‌ای، دانشگاهی و ... می‌آموزند. **نکته** هر فرد، گروه، قوم، جامعه و امتی، یک ذخیره‌دانشی دارد که راهنمای زندگی آن‌هاست.

این ذخیره‌دانشی که از شرکت زدیم، فودش دو تا بخش داره؛ یکی «دانش عمومی» و دیگری «دانش علمی»؛ که هالا توی بخش‌های بعدی قراره بینیم هر کدام‌شون په‌آگاهی‌هایی رو شامل می‌شون!

دانش عمومی

توی درس اول پامه‌شناسی دهن فوندیم که به فعالیت‌های انسان (البته بهز فعالیت‌های فیزیولوژیک بدن؛ مثل تنفس یا ضربان قلب!)، «کنش» می‌گلن و البته توی همون درس فوندیم که این کنش، ۱۴تا ویرگلی داره که اون رو از فعالیت‌های بقیه موهبدات زنده متمایز می‌کنه! یاده اون ۱۴تا ویرگل چیا بودن؟! یکیش که این‌جا به کارمون همیاد، «آگاهی»؛ یعنی ما نسبت به هر کاری که انهام می‌دیم، باید شناخت و آگاهی داشته باشیم و آگه این شناخت نباشه، اون فعالیت انهام نمی‌شه! مثلاً آگه من ندونم یه دستگاه په‌پوری کار می‌کنه، فاب نمی‌تونم از این استفاده کنم! به نظرت می‌تونم؟!

کنش آدمی، وابسته به آگاهی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود؛ ولی ما اغلب از آگاهی و دانشی که نسبت به کنش‌های خود داریم و نیز از اهمیت و نقشی که این آگاهی در زندگی ما دارد، غافلیم؛ به این معنا که وقتی به کنش‌های روزمره خود (مانند راه‌رفتن، رانندگی، احوال‌پرسی، خرید و ...) دقت می‌کنیم، شاید در نگاه اول گمان کنیم:

• این کارها، بدون آگاهی و دانش خاصی انجام می‌شوند.

• دانشی که برای انجام این کارها داریم، اهمیت چندانی ندارد.

اما به مثال زیر دقت کن تا بینی این طور نیست و پشت همین کارهای به ظاهر ساده روزمره هم کلی دانش و آگاهی نهفته‌اس!

مثال فرض کنید به پیشنهاد یک دوست به یک میهمانی دعوت شده‌اید که در آن، کسی را نمی‌شناسید. در چنین موقعیتی، دقت و احتیاط شما بیشتر می‌شود؛ یعنی پیش از انجام هر کاری فکر می‌کنید و حتی به این که چگونه راه بروید، چگونه حرف بزنید یا چگونه غذا بخورید، می‌اندیشید.

این جاست که متوجه می‌شوید در راه‌رفتن، غذاخوردن

و حرف‌زدن شما نیز آگاهی‌ها و دانش‌هایی وجود دارد که به سبب عادت، از نظر و توجه شما پنهان مانده است.

این دانش (یعنی همون آگاهی و دانشی که گفتیم لازمه کنش اجتماعی)، حاصل زندگی است؛ یعنی انسان‌ها آن را در طول زندگی خود به دست می‌آورند. هالا این که این‌جا منظور از زندگی، زندگی فردیه یا اجتماعی یا هر دو، در ادامه فواید فرمید!

برای این‌که مفهوم دانش عمومی را بهتر بفهمیم، لازمه مثال زیر را با دقت بخوبیم:

فردی را در نظر بگیرید که تصمیم می‌گیرد به تنها یک و بیرون از جامعه زندگی کند. چنین فردی در برخورد با موقعیت‌های بسیاری که از آن‌ها آگاهی ندارد، با مشکل مواجه می‌شود و نمی‌تواند کاری انجام دهد؛ اگر هم بخواهد برای انجام بسیاری از کارهای خود بیندیشد، زندگی برایش دشوار و پرزحمت می‌شود، پون کل روز را باید بشینه فکر کنند و بینه چی کار کنند که بهتر باشند! تازه‌آلله به نتیجه برسه!

چنین فردی (یعنی فرد دور از جامعه)، برای انجام هر عملی، باید خودش فکر کند و آگاهی لازم برای انجام آن را به دست آورد؛ بنابراین:

الف اگر بتواند دانش درستی به دست آورد و عمل موردنظر را به صورت موقیت‌آمیز انجام دهد، برای انجام آن در دفعات بعدی، از همان دانش قبلی استفاده می‌کند و به این ترتیب، آن عمل در دایرۀ عادت قرار می‌گیرد. انجام عمل از روی عادت، باعث صرفه‌جویی در وقت و انژری می‌شود و فرد می‌تواند ظرفیت ذهنی خود را به اندیشیدن درباره فعالیت‌های دیگری (که انجام آن‌ها نیازمند آگاهی و دانش است)، اختصاص دهد و بدین ترتیب، بر میزان ذخیره دانشی خود بیفزاید. البته به سفتی دیگه! پون هی باید برای هر کاری فودش فکر کنند و کسی دور و برش نیست که از ش راهنمایی بگیره!

بـ اگر پس از اندیشیدن، به آگاهی درستی دست پیدا نکند و در انجام آن عمل با شکست مواجه شود، دوباره باید فودش تک و تنها بشینه فکر کنند و بینه راه درست پیشنهاد کنند!

مثال فیلم سینمایی «دورافتاده»، روایت فردی است که مجبور می‌شود به تنها یک جزیزه زندگی کند. او برای درست کردن آتش، ساعتها وقت صرف می‌کند و برای کشیدن دندان خود، پس از روزها تلاش، مجبور می‌شود از ابزاری غیرمعارف استفاده کند!

پس می‌بینی اگه قرار باشه هر کدو از ما به تنها یک جزیزه زندگی کنیم، په قدر زندگی برآمون سفت می‌شه؟! اما فوشبختانه؛ ما انسان‌ها، نه به تنها یک جزیزه زندگی می‌کنیم؛ از این‌رو، مجبور نیستیم خودمان به تنها یک جدالگانه، دانش لازم برای تک‌تک کش‌هایمان را تولید کنیم. راهت می‌تونیم از دیگرانی که اون کار رو انجام دادن، پرسیم و ما هم همون کار رو انجام بدیم! به همین سادگی!

ما انسان‌ها، با تولد و ورود به جهان اجتماعی، با دیگرانی که در آن جهان زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها، سهیم و شریک می‌شویم که به این نوع از دانش، «دانش عمومی» گفته می‌شود.

به این دانش به این قاطر عمومی می‌گن که نه عمق زیادی داره و نه اتفاقاً به موضوع یا هوژه‌قاصی داره! اصطلاحاً «از هر دری، سفنی؛ اونم فقط یه ذره»! در حقیقت، دانش عمومی در برابر دانش اتفاقاً (علمی) قرار داره که مربوط به یه موضوع و بیطه‌قاصه، اونم با عمق زیاد؛ این دومی رو یه کم بعدتر می‌خونیم!

درباره دانش عمومی بدانیم که...

۱ جهان اجتماعی (جامعه و فرهنگی) که در آن زندگی می‌کنیم، دانش لازم برای زندگی یا همان دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

۲ دانش عمومی، گستره‌ترین بخش ذخیره دانشی ماست.

۳ ما درباره دانش عمومی، کمتر می‌اندیشیم و از آن بیشتر استفاده می‌کنیم و در تعامل با یکدیگر آن را به کار می‌بریم.

دانش عمومی برای زندگی اجتماعی، همانند هوا برای بدن انسان است؛ انسان همواره از هوا استفاده می‌کند، اما در اغلب موارد، از اهمیت آن غافل است و ما هنگامی متوجه وجود هوا می‌شویم که در آن تغییری رخ دهد یا تنفس ما با مشکلی مواجه شود.

۴ یادگیری دانش عمومی از لحظه تولد انسان آغاز می‌شود و تا پایان عمر او تداوم می‌یابد.

۵ ما دانش عمومی را از طریق احساس، مشاهده و عمل روزانه خود، در زندگی مشترک با خانواده و دیگر اعضای جامعه فرامی‌گیریم.

دانش علمی

دانش عمومی، بخشی از ذخیره دانشی ما را تشکیل می‌دهد؛ اما ذخیره دانشی، بخش دیگری نیز دارد که با تأمل و اندیشه در دانش عمومی به دست می‌آید. به این دانش عمیق‌تر و دقیق‌تر، «دانش علمی» می‌گویند.

مثال زبان، یک پدیده اجتماعی است. درباره این پدیده اجتماعی، هم دانش عمومی وجود دارد و هم دانش علمی. در خصوص زبان فارسی، دانش کاربران و سخنگویان این زبان (همین‌دمای معمولی جامعه)، دانش عمومی است که آن را از اطراقیان خود فراگرفته‌اند، اما متخصصان زبان فارسی (یعنی زبان‌شناسان)، نسبت به این زبان، دانش علمی دارند که نتیجه مطالعات و خردورزی‌های بیشتر آنان در این زمینه است؛ مثلاً شاید هیلی از آدم‌دانوون که کلمات فارسی مثل پیشنهاد، سفارش و ... را نباید با «ات» عربی بمع بست یا کاربرد تنوین عربی با کلمات فارسی مثل دو، فواهش و ... درست نیست و در نتیجه تویی مکالمات فودشون از این کلمات و عبارات تادرست استفاده کنن! پون اینها همیزایی هستن که به دانش علمی درباره زبان فارسی مربوطه؛ نه دانش عمومی! همه اون همیزی که تا این‌جا فخریم، فلاحتش می‌شه همچوں زیر:

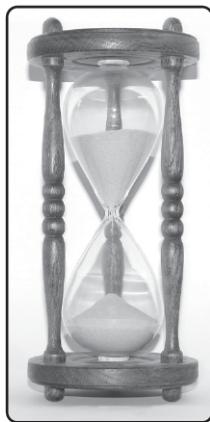
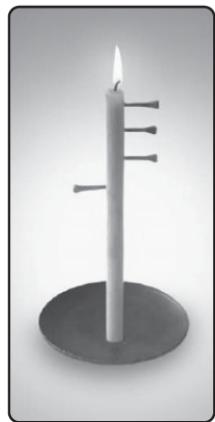
دانش علمی	یادگیری از طریق: احساس، مشاهده و عمل روزانه در تعامل با دیگران	دانش عمومی	یادگیری از طریق: تأمل و اندیشه در دانش عمومی	ذخیره دانشی

کسی که دانش علمی دارد

۱ به درک عمیقی از شناخت عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسد.

۲ آسیب‌ها و اشکالاتی را که به شناخت عمومی راه پیدا کرده باشند، شناسایی می‌کند.

۳ قدرت پیدا می‌کند تا از حقایق موجود در شناخت عمومی دفاع کند.



ساعت از قدیمی‌ترین ابداعات بشر است. انسان با استفاده از دانش زمان خود برای اندازه‌گیری، نشان‌دادن و نگهداری زمان، ابزارهایی مانند ساعت آبی، آفتابی، شنی و شمعی ساخته است. امروزه فناوری، انسان را قادر ساخته، ساعت‌های بسیار طریف و دقیق الکترونیکی، کامپیوتری و حتی اتمی بسازد.

رشد و توسعه دانش علمی

دانش علمی از دو راه رشد و توسعه پیدا می‌کند:

❶ تلاش‌های علمی عالمن به تدریج بر ذخیره دانش علمی جامعه می‌افزاید و دانش عمومی را غنی‌تر می‌کند.

❷ دانش علمی جامعه در تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند؛ یعنی هر وقت در جامعه، مسئلهٔ خاصی مطرح می‌شود، زمینهٔ لازم برای پیدایش و رشد دانش علمی نسبت به آن مسئله نیز فراهم می‌شود.

مثال کاهش یا افزایش بی‌رویهٔ جمعیت در یک کشور می‌تواند زمینهٔ فعالیت و رشد دانش جمیعت‌شناسی را فراهم سازد.

اهمیت دانش علمی

انسان در زندگی اجتماعی همواره با مسائل و مشکلات زیادی مواجه می‌شود؛ مانند: نالمنی، ترافیک، اعتیاد، آلودگی هوا، بحران آب، بیکاری، فقر، نابرابری، قانون‌گریزی، خودکشی، بحران هویت، بحران اخلاقی، بحران آگاهی و ...

همهٔ کسانی که از دانش عمومی برخوردارند، این مشکلات را می‌شناسند و برای حل برخی از آن‌ها راهکارهایی نیز پیشنهاد می‌دهند؛ اما افرادی که شناخت علمی در مورد این مسائل دارند، از شناختی دقیق‌تر برخوردارند و می‌توانند برای آن‌ها، راه حل‌های صحیح پیدا کنند.

منظور، همون‌کارشناسی‌هایی که همهٔ ما توی همه مسائل انجام می‌دیم؛ اون هم بدون تفھیم و دانش‌کافی امثلاً ۱۰ میلیون ایرانی هستیم که دربارهٔ همهٔ پیاز دلایل تورم و نوسان نرخ ارزگرفته تا اشتباهات پزشکی و هتی تداروی توی فوتیاب اظهار نظر می‌کنیم و راهکار، راهه می‌دیم! اما فب معلومه ما توی همه این زمینه‌ها فقط یه ریزه دانش عمومی داریم که قطعاً برای همۀ این مسائل کافی نیست!

گاه در جامعه، بین دانش عمومی و دانش علمی تعارضاتی پدید می‌آید. اعضای جامعه برای حل این تعارضات تلاش می‌کنند و در نتیجه، تعارض موجود به یکی از طرق زیر حل می‌شود:

❶ دست‌برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر (یعنی یا علما در مقابل دانش عمومی توده مردم کم می‌ارan و کوتاه میان؛ یا توده مردم به این نتیجه می‌رسن که توی هوزه‌ای که تفھیم ندارن دفالت کنن و کار رو به کار دون پسپرن!)

❷ طرح ایده‌های جدید



آبیاری کوزه‌ای از روش‌های سنتی آبیاری در مناطق خشک ایران بوده است. در این روش، کوزه‌های سفالی را پای گیاه در زیر خاک قرار می‌دادند. آب کم‌کم از جداره سفالی می‌تراوید و به خاک نفوذ می‌کرد. شیوهٔ جدید، این روش آبیاری زیرسطحی با لوله‌های قطره‌چکان است.



پوشک از نیازهای اولیه انسان بوده و صنعت نساجی از قدیمی‌ترین صنایع بشری است. به تدریج با پیشرفت صنعت، زمینهٔ علمی‌شدن نساجی و شکل‌گیری مهندسی نساجی فراهم شد.

تعاریف متفاوت از دانش علمی

جهان‌های اجتماعی مختلف، براساس هویت فرهنگی خود، تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند.

مثال جهان متعدد، براساس هویت دنیوی خود، فقط علم تجربی را دانش علمی می‌دانست و علوم عقلانی و وحیانی را علم حساب نمی‌کرد. البته الان دیگر نمود غربی‌ها هم فهمیدن که این رویکرد پندان درست نیست، ولی به روی نمودشون نمی‌ارن!



تفاوت علوم؛ تفاوت در موضوع یاروش؟

وقتی درباره موضوعی، دانش علمی قابل توجهی فراهم می‌شود، علم ویژه‌ای شکل می‌گیرد.

هر علمی درباره موضوع خاصی بحث می‌کند؛ بنابراین علوم از نظر «موضوع» با یکدیگر تفاوت دارند.

مثال موضوع فلسفه، «وجود»، موضوع ریاضی، «کمیت»، موضوع فیزیک، «طبیعت» و موضوع زیست‌شناسی، «موجودات زنده» است.

در اوایل قرن بیستم میلادی، عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند که به جای «موضوع» علوم، بر «روش» علوم تأکید کردند.

آن‌ها روش تجربی را تنها روش کسب علم دانستند و به این برداشت دامن زدند که فقط «علم تجربی» علم است؛ بنابراین سایر علوم (مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی) را غیرعلمی خواندند و علوم انسانی و اجتماعی را نیز فقط در صورتی که از روش تجربی استفاده کنند، علم تلقی کردند.

این رویکرد، از نیمة دوم قرن بیستم، با چالش‌های متعددی مواجه شد و به تدریج در محاذل علمی اعتبار خود را از دست داد.

یکی از این چالش‌ها، علم ریاضی بود؛ علمی که فراتر از مشاهده و تجربه است و اگر تجربه ما خلاف اصول اولیه آن باشد، آن تجربه را نادرست می‌دانیم؛

نه این که بگیم چون اصول ریاضی خلاف تجربه ماست، پس اصول ریاضی خلطه! مثلاً آنکه تو بگی تجربه من می‌گله به علاوه ۲ می‌شے ۵؛ هیشکی نمی‌گله تجربه تو درسته و اصول ریاضی خلطه! پس هر فوایدی که می‌گلن علم نمی‌توانه درست باشد! این مثال ساده‌من بود؛ هالا مثال کتاب درسی رو هم بفون:

مثال اگر هزار نفر بیایند و ۵۱۰ گردو را در کنار ۳۲۰ گردو بشمارند و مجموع این گردوها را ۸۳۱ گردو اعلام کنند، نظر همه آن‌ها را نادرست می‌دانیم؛ چون از نظر علم ریاضی، مجموع ۵۱۰ و ۳۲۰ برابر است با ۸۳۰. همچنین اگر هزار نفر، زوایای داخلی مثلثی را با نقاله اندازه بگیرند و مجموع زوایا را ۱۷۹ درجه اعلام کنند، نظر همه آن‌ها را خطأ می‌دانیم؛ چرا که از نظر علم ریاضی، مجموع زوایای مثلث، ۱۸۰ درجه است.

بومی‌سازی دانش علمی

هر جامعه به دانشی نیاز دارد که:

❶ همسو با هویت فرهنگی و ناظر به حل مسائل همان جامعه باشد. (دانش مفید)

❷ دغدغه کشف واقعیت و تشخیص درست و نادرست را داشته باشد. (به زبان و منطق جهان‌شمول سخن بگوید.)

مثال علوم اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی)

یعنی دانش علمی هر جامعه توی زمینه‌های مختلف، هم باید دغدغه کشف حقیقت رو داشته باشه و فودش رو از انواع و اقسام فطاها و تحریف‌ها محفوظ نگه داره و هم باید با دانش عمومی و هویت فرهنگی همون جامعه سازگاری و مطابقت داشته باشه! مثلاً یکی از مقاهمین بنیادی توی علوم اجتماعی، انسانه! ما به عنوان یه جامعه مسلمون نمی‌توانیم علوم اجتماعی مون رو بر پایه مفهوم صرفاً دنیوی و این‌جهانی انسان (اومنیسم غربی) سامان بدم! یه نظرت می‌توانیم؟!

تست‌های ذخیره‌ دانش

۱- کدام گزینه به درستی بیانگر مسیری است که انسان از ابتدا طی می‌کند تا به آگاهی گسترد و عمیقی از عالم و آدم برسد؟

(۱) برای فهمیدن و شناخت جهان اطراف خود، از دانسته‌های دیگران بهره می‌برد و با تفکر و تعقل از دیده‌ها، شنیده‌ها و خوانده‌هایش فراتر می‌رود و در سینی بالاتر راهی دیپرستان، دانشگاه، حوزه علمیه و مراکز تخصصی دیگر می‌شود و دانش‌هایی را با عنوانی مختلف علمی می‌آموزد.

(۲) پرسش و پاسخ از دیگران، راهی برای فهم جهان هستی برای او می‌گشاید. انسان با تفکر و تعقل از دیده‌ها، شنیده‌ها و خوانده‌هایش نیز فراتر می‌رود؛ معنای پدیده‌های اطراف خود را درک می‌کند و به آگاهی گسترد و عمیق‌تری از عالم و آدم می‌رسد.

(۳) انسان تا قبل از این‌که بتواند سخن بگوید، از راه حس می‌فهمد و وقتی زبان گشود، به دریافت‌های حسی خویش بسته نمی‌کند و برای فهمیدن و شناخت جهان اطراف خود، از دانسته‌های دیگران نیز بهره می‌برد و با تفکر و تعقل معنای پدیده‌های اطراف خود را درک می‌کند و به آگاهی گسترد و عمیق‌تری از عالم و آدم می‌رسد.

(۴) آدمی از همان ابتدای تولد صدای را می‌شنود، کم‌کم چشم بازمی‌کند، به تدریج اطراف خود را می‌بیند و به مرور اشیا و افراد را از هم تشخیص می‌دهد. بعد از مدتی با کلمات آشنا می‌شود و سخن می‌گوید و با سخن گفتن، روند آگاهی او از جهان اطرافش سرعتی شگرف می‌یابد.

۲- آن‌چه افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی زندگی خود، مطالعات مدرسه‌ای و دانشگاهی می‌آموزند، یا آن‌ها را شکل می‌دهد. انسان‌ها با ورود به جهان اجتماعی با دیگرانی که در آن جهان زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها سهیم و شریک می‌شوند که به آن می‌گویند.

(۱) دانش علمی - دانش عمومی - ذخیره دانشی - ذخیره دانشی

(۲) ذخیره آگاهی - دانش عمومی - ذخیره دانشی - دانش عمومی

۳- کدام گزینه در رابطه با تأثیر و کاربرد دانش علمی و دانش عمومی در زندگی انسان درست است؟

(۱) تلاش‌های علمی عالمن به تدریج بر ذخیره دانش عمومی جامعه می‌افزاید و دانش علمی را غنی‌تر می‌کند.

(۲) دانش علمی جامعه در تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی رشد و توسعه پیدا می‌کند؛ یعنی هر وقت در جامعه مسئله خاصی مطرح می‌شود، زمینه لازم برای پیدایش و رشد دانش عمومی نسبت به آن مسئله نیز فراهم می‌شود.

(۳) افرادی که شناخت عمومی نسبت به مسائل و مشکلات اجتماعی دارند، به شناخت دقیق علمی مشکلات زندگی اجتماعی می‌پردازند و می‌کوشند راه حل‌های صحیح برای حل آن‌ها را شناسایی کنند.

(۴) بسیاری از مشکلات اجتماعی را همه کسانی که از دانش عمومی جامعه برخوردارند، می‌شناسند و برای حل برخی از آن‌ها راه حل‌هایی پیشنهاد می‌دهند.

۴- به ترتیب، عبارت‌های زیر مربوط به کدام مفاهیم هستند؟

- گستردگی ترین بخش ذخیره دانشی انسان

- دانش لازم برای زندگی اجتماعی را در اختیار انسان قرار می‌دهد

- تلقی جهان متعدد از علم

(۱) دانش عمومی - دانشمندان و نهادهای علمی - دانش علمی را محدود و منحصر به دانش تجربی و عقلی می‌داند.

(۲) دانش علمی - جهان اجتماعی - روش‌های تجربی، عقلانی و وحیانی را معتبر می‌داند.

(۳) دانش عمومی - جهان اجتماعی - فقط علم تجربی را دانش علمی می‌دانست.

(۴) دانش علمی - دانشمندان و نهادهای علمی - دانش عقلانی و وحیانی را معتبر نمی‌داند.

۵- به ترتیب، هر یک از موارد زیر به چه نتایجی منجر می‌شود؟

- فقدان دانش حاصل از زندگی

- تلاش‌های علمی عالمن

- سرایت رویکرد جهان متعدد از علم در جوامعی که علاوه بر علوم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را نیز معتبر می‌دانند.

(۱) فروپاشی جهان اجتماعی - افزایش ذخیره دانش علمی جامعه - قطع ارتباط دوسویه دانش عمومی و دانش علمی در این جوامع

(۲) مختل شدن زندگی اجتماعی - غنی‌سازی دانش عمومی - بازماندن دانش عمومی از رشد و رونق لازم

(۳) انجام نشدن کنش‌های اجتماعی - شناسایی راه حل‌های صحیح حل مشکلات جامعه - طرح ایده‌های جدید

(۴) عدم شکل‌گیری فرهنگ یا آگاهی مشترک در جامعه - افزایش ذخیره دانش عمومی جامعه - از دست دادن توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش

علمی توسط دانش عمومی

۶- به ترتیب، مصادیق «الف»، «ب» و «پ» کدام است؟

ویژگی	دانش‌ها
در تعامل با یکدیگر آن را به کار می‌بریم	«ب»
«الف»	دانش علمی
به سبب عادت، ممکن است از نظر ما پنهان بماند.	«پ»

(۱) حاصل خودرزی و کاوشهای عقلی است. - دانش علمی - دانش حاصل از زندگی

(۲) درباره آن، کمتر می‌اندیشیم و بیشتر استفاده می‌کنیم. - دانش عمومی - دانش علمی

(۳) همانند هوای بدن انسان است. - دانش عمومی - دانش علمی

(۴) قدرت دفاع از حقایق موجود در شناخت عمومی را دارد. - دانش عمومی - دانش

حاصل از زندگی

- ۷- عبارت‌های زیر را به ترتیب از جهت صحیح یا غلط بودن مشخص کنید.
- هر آن چه افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی زندگی خود، مطالعات مدرسه‌ای، دانشگاهی و ... می‌آموزند، ذخیره آگاهی یا ذخیره دانشی آن‌ها را شکل می‌دهد.
 - کنش وابسته به آگاهی آدمی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود، ولی ما همواره از آگاهی و دانشی که نسبت به کنش‌های خود داریم و از اهمیت نقشی که این آگاهی در زندگی ما دارد، غافلیم.
 - ما انسان‌ها با تولد و ورود به جهان اجتماعی با دیگرانی که در همان جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها سهیم و شریک می‌شویم. این نوع از دانش را دانش علمی می‌گویند.
 - دانش علمی جامعه با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند؛ یعنی هر وقت در یک جامعه مسئله خاصی مطرح می‌شود، زمینه لازم برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره به آن مسئله نیز فراهم می‌گردد.
- ۱) غ - ص - غ - ص
۲) ص - غ - غ - ص
۳) غ - ص - ص - غ
- ۸- کدام گزینه در رابطه با «توانایی‌های کسی که دارای دانش علمی است» درست نیست؟
- (۱) آسیب‌ها و اشکالاتی را که به شناخت عمومی راه پیدا کرده باشند، شناسایی می‌کند.
 - (۲) قدرت دفاع از حقایق موجود در شناخت عمومی را پیدا می‌کند.
 - (۳) به درک عمیقی از شناخت عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسد.
 - (۴) دانش عمومی را در اختیار افراد جامعه قرار داده و آن را غنی می‌سازد.
- ۹- به ترتیب، کدام عبارت در مورد شناخت عمومی درست نیست، اما در رابطه با شناخت علمی درست است؟
- (۱) دانش عمومی، گسترده‌ترین بخش از ذخیره دانشی ما را تشکیل می‌دهد. - دانش علمی با تأمل و اندیشه در دانش عمومی به دست می‌آید.
 - (۲) ما درباره دانش عمومی، هم بیشتر می‌اندیشیم و هم بیشتر از آن استفاده می‌کیم - کسی که دارای دانش علمی است، اشکالاتی که به شناخت عمومی راه پیدا کرده باشند، را شناسایی می‌کند.
 - (۳) دانش عمومی با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد - دانش علمی گسترده‌ترین بخش از ذخیره دانشی ما را تشکیل می‌دهد.
 - (۴) جامعه و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم، دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد - ما در تعامل با یکدیگر، دانش علمی را به کار می‌بریم.
- ۱۰- کدام گزینه سیر و روند افزایش ذخیره دانشی فردی را که به تنهایی و بیرون از جامعه زندگی می‌کند، به درستی نشان می‌دهد؟
- (۱) تفکر درباره انجام یک عمل ← کسب آگاهی ← عمل موفقیت‌آمیز ← استفاده از دانش قبلی برای انجام آن عمل در دفعات بعدی ← قرارگرفتن آن عمل در دایرة عادت او ← افزایش ذخیره دانشی او
 - (۲) مواجهشدن با مشکلات در موقعیت‌های مختلف ← استفاده از دانش قبلی برای حل مشکلات ← صرفه‌جویی در وقت و انرژی ← به کارگیری ظرفیت ذهنی در فعالیت‌های دیگر ← افزایش ذخیره دانشی او
 - (۳) مواجهشدن با موقعیت‌های جدید ← خطأ و آزمایش ← تولید دانش برای همه کنش‌هایش ← سازگاری با موقعیت جدید ← به کارگیری ظرفیت ذهنی در فعالیت‌های دیگر ← افزایش ذخیره دانشی او
 - (۴) کسب شناخت و آگاهی نسبت به محیط پیرامون خود ← کسب تجربه ← مواجهشدن با موقعیت‌های جدید ← استفاده از دانش قبلی ← افزایش ذخیره دانشی او
- ۱۱- اگر رویکرد جهان متعدد از علم در جوامع دیگری که علوم تجربی، عقلانی و وحیانی را معتبر می‌دانند سروایت کند، تعارضاتی را در ذخیره دانشی آن جوامع پدید می‌آورد. کدام گزینه مربوط به پیامدهای این تعارضات نیست؟
- (۱) ارتباط دوسویه دانش عمومی و دانش علمی گستته می‌شود.
 - (۲) دانش علمی از رشد و رونق لازم بازمی‌ماند.
 - (۳) دانش علمی دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد.
 - (۴) دانش عمومی گستره بیشتری از ذخیره دانشی آن جوامع را تشکیل می‌دهد.
- ۱۲- هر یک از موارد زیر با چه موضوعی مرتبط است؟
- راهنمای زندگی هر فرد، گروه یا جامعه
 - مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌هایی که با ورود به جهان اجتماعی با دیگران در آن سهیم می‌شویم.
 - یکی از راه حل‌های رفع تعارض میان دانش علمی و دانش عمومی
- (۱) ذخیره آگاهی - دانش علمی - تغییر دانش عمومی
(۲) دانش علمی - دانش عمومی - اصلاح دانش علمی
(۳) ذخیره دانشی - دانش عمومی - دست برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر
(۴) دانش عمومی - دانش علمی - طرح ایده‌های جدید

۱۳- یکی از عوامل ایجاد تعارض در ذخیره دانشی جوامع غیرمتجدد چیست؟

- ۱) این جوامع، دانش‌های تجربی، عقلی و وحیانی را معتبر نمی‌دانند؛ به همین دلیل در مواجهه با جوامعی که این دانش‌ها را معتبر قلمداد می‌کنند، دچار تعارض در ذخیره دانشی خود می‌شوند.

۲) جهان متجدد، دانش علمی را محدود به دانش تجربی می‌دانست و سایر روش‌های عقلاًتی و وحیانی را از دایره علم بیرون می‌راند. سرایت این دیدگاه در جوامعی که علوم تجربی، عقلاًتی و وحیانی را معتبر می‌دانند، تعارضاتی را در ذخیره دانشی آن جوامع پدید می‌آورد.

۳) در این جوامع، دانش علمی مناسب با دانش عمومی نیست و چون قادر به رفع این ناسازگاری نیستند، در ذخیره دانشی آن‌ها تعارض ایجاد می‌شود.

۴) از یک سو دانش عمومی این جوامع در برابر دانش علمی مقاومت کرده و از سوی دیگر، دانش علمی جوامع متجدد، تأثیرات بسیاری بر زندگی اجتماعی مردم جوامع دیگر می‌گذارد و تعارضاتی را در ذخیره دانشی آن جوامع پدید می‌آورد.

۱۴- گاهی در جامعه، بین دانش عمومی و دانش علمی تعارضاتی پدید می‌آید. اعضای جامعه برای حل این تعارضات، تلاش می‌کنند. حل تعارضات گاه با و گاه با انجام می‌شود.

۱) دست برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر - طرح ایده‌های جدید

۲) اصلاح دانش عمومی جامعه - نفی و رد دانش علمی

۳) مقاومت دانش عمومی در برابر دانش علمی - پذیرفتن دانش علمی توسط افراد جامعه

۴) نادیده گرفتن دانش عمومی - اصلاح دانش عمومی جامعه

۱۵- در اوایل قرن بیستم میلادی، کسانی که به جای «موضوع» علوم بر «روش» علوم تأکید می‌کردند، کدام علوم را غیرعلمی می‌نامیدند و در چه صورتی علوم انسانی و اجتماعی را علم تلقی می‌کردند؟
[\(پژوهیم و بدایم\)](#)

۱) دانش‌هایی را که با تجربه قابل اثبات بود، غیرعلمی و دانش‌هایی مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را معتبر می‌دانستند.

۲) دانش‌هایی را که فقط با روش حسی و تجربی به دست می‌آمدند، غیرعلمی و دانش‌هایی را که از طریق عقلی و وحیانی قابل اثبات بود، علمی می‌دانستند.

۳) علمی مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را غیرعلمی می‌نامیدند و فقط دانش‌هایی را که با تجربه قابل اثبات باشد، علمی می‌دانستند.

۴) دانش‌هایی مانند ریاضی و علوم طبیعی را غیرعلمی و علومی مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را معتبر می‌دانستند.

۱- گزینه «۳» فهمیدن از طریق حواس ← استفاده از زبان ← پهربردن از دانسته‌های دیگران ← تفکر و تعقل ← درک معنای پدیده‌های اطراف خود ← آگاهی گسترده و عمیق از عالم و آدم **بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه‌های دیگر ناقص هستند و فقط بخشی از مسیر را بیان می‌کنند.
۲- گزینه «۲» هر آن‌چه افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی زندگی خود، مطالعات مدرسه‌ای و دانشگاهی می‌آموزند، ذخیره آگاهی یا ذخیره دانشی آن‌ها را شکل می‌دهد. ما انسان‌ها با تولد و ورود به جهان اجتماعی با دیگرانی که در آن جهان اجتماعی انجام نمی‌شود، ولی ما اغلب (نه همواره) از آگاهی و دانشی که نسبت به کنش‌های خود داریم و از اهمیت و نقشی که این آگاهی در زندگی ما دارد، غافلیم.

عبارت سوم نادرست است: ما انسان‌ها با ورود به جهان اجتماعی با دیگرانی که سهیم و شریک می‌شویم. این نوع از دانش را داشت علومی (نه علمی) می‌گویند.
۳- گزینه «۴» جهان اجتماعی، دانش علومی را در اختیار ما قرار می‌دهد و دانشمندان آن را غنی می‌سازند.
۴- گزینه «۵» ما درباره دانش علومی، کمتر (نه بیشتر) می‌اندیشیم و بیشتر از آن استفاده می‌کنیم.

۲- گزینه «۴» **بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه (۱): درست - درست.
۵- گزینه «۳» نادرست - نادرست؛ دانش علمی (نه علومی) با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی گسترشده‌ترین بخش از ذخیره دانشی ما را تشکیل می‌دهد.
۶- گزینه «۴» درست - نادرست؛ ما در تعامل با یکدیگر، دانش علومی (نه علمی) را به کار می‌بریم.

۷- گزینه «۱» فردی که به تنها و دور از جامعه زندگی می‌کند، وقتی برای انجام عملی، فکر می‌کند (۱) و آگاهی لازم برای انجام آن را به دست می‌آورد (۲)، در صورتی که آن عمل موقوفیت‌آمیز باشد (۳)، برای انجام آن در دفعات بعدی از همان دانش قبلی استفاده می‌کند (۴) و آن عمل در دایره عادت او قرار می‌گیرد. (۵) بدین ترتیب در وقت و انرژی او صرفه‌جویی می‌شود و ظرفیت ذهنی اش را در فعلیت‌های دیگری که باید برای آن‌ها بسندید، به کار می‌گیرد و بدین ترتیب به سختی ذخیره دانشی او افزوده می‌شود. (۶)

۸- گزینه «۴» اگر رویکرد جهان متعدد از علم در جوامع دیگری که علاوه بر علم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را نیز معتبر می‌دانند، سرافیت کند، تعارضاتی را در ذخیره دانشی آن جوامع پدید می‌آورد.

در چنین شرایطی: **الف** ارتباط دوسویه دانش علومی و دانش علمی قطع می‌شود. **ب**- دانش علمی از رشد و رونق لازم بازمی‌ماند. **پ**- دانش علمی دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش علومی را از دست می‌دهد.

۹- گزینه «۳» هر فرد، گروه، قوم، جامعه و امتی یک ذخیره دانشی دارند که راهنمای زندگی آن‌هاست.

ما انسان‌ها با تولد و ورود به جهان اجتماعی با دیگرانی که در آن جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها سهیم و شریک می‌شویم. این نوع از دانش را «دانش علومی» می‌گویند.

گاهی در جامعه، بین «دانش علومی» و «دانش علمی» تعارضاتی پدید می‌آید. اعضای جامعه برای حل این تعارضات تلاش می‌کنند. حل تعارضات گاه با دست برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر و گاهی با طرح ایده‌های جدید و ... انجام می‌شود.

۱۰- گزینه «۲» جهان متعدد، دانش علمی را محدود به دانش تجربی می‌دانست و سایر روش‌های عقلانی و وحیانی را از دایرة علم بیرون می‌راند. رسوخ این دیدگاه در جوامعی که روش‌های تجربی، عقلانی و وحیانی را معتبر می‌دانند، تعارضاتی را در ذخیره دانشی آن جوامع پدید می‌آورد.

۱۱- گزینه «۱» گاهی در جامعه، بین دانش علومی و دانش علمی تعارضاتی پدید می‌آید. اعضای جامعه برای حل این تعارضات تلاش می‌کنند. حل تعارضات گاه با دست برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر و گاهی نفع بخشی دیگر و گاه با طرح ایده‌های جدید و ... انجام می‌شود.

۱- گزینه «۳» فهمیدن از طریق حواس ← استفاده از زبان ← پهربردن از دانسته‌های دیگران ← تفکر و تعقل ← درک معنای پدیده‌های اطراف خود ← آگاهی گسترده و عمیق از عالم و آدم
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های دیگر ناقص هستند و فقط بخشی از مسیر را بیان می‌کنند.
۲- گزینه «۲» هر آن‌چه افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی ذخیره دانشی آن‌ها را شکل می‌دهد. ما انسان‌ها با تولد و ورود به جهان اجتماعی با دیگرانی که در آن جهان اجتماعی زندگی می‌گویند، مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها سهیم و شریک می‌شویم که به آن دانش علومی می‌گویند.

۳- گزینه «۴» **بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه (۱): تلاش‌های علمی عالمان به تدریج بر ذخیره دانش علمی (نه علومی) جامعه می‌افزاید و دانش علومی (نه علمی) را غنی تر می‌کند.

گزینه (۲): دانش علمی جامعه با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند؛ یعنی هر وقت در یک جامعه مستله خاصی مطرح می‌شود، زمینه لازم برای پیدایش و رشد دانش علمی (نه علومی) نسبت به آن مسئله نیز فراهم می‌شود.

گزینه (۳): افرادی که شناخت علمی (نه علومی) نسبت به مسائل و مشکلات اجتماعی دارند به شناخت دقیق علمی مشکلات زندگی اجتماعی می‌پردازند و می‌کوشند تاراهکارهای صحیح برای حل آن‌ها را شناسایی کنند.
۴- گزینه «۳» دانش علومی، گسترشده‌ترین بخش از ذخیره دانشی ما را تشکیل می‌دهد.

جهان اجتماعی (جامعه و فرهنگی) که در آن زندگی می‌کیم، دانش زندگی یا همان دانش علومی را در اختیار ما قرار می‌دهد.
۵- گزینه «۱» هیچ یک از کنش‌های اجتماعی ما بدون آگاهی و دانش انجام نمی‌شود. اگر این دانش نباشد، زندگی اجتماعی ما مختلف می‌شود و جهان اجتماعی فرو می‌باشد. این دانش، دانش حاصل از زندگی است و انسان‌ها آن را در طول زندگی خود به دست می‌آورند.

تلاش‌های علمی عالمان به تدریج بر ذخیره دانش علمی جامعه می‌افزاید و دانش علومی را غنی تر می‌کند.
۶- گزینه «۴» اگر تلقی جهان متعدد از علم در جوامع دیگری که روش‌های تجربی، عقلانی و وحیانی را معتبر می‌دانند، رسوخ این دانش انتشاری از ذخیره دانشی آن جوامع پدید می‌آورد. در چنین شرایطی، ارتباط دوسویه دانش علومی و دانش علمی قطع می‌شود. دانش علمی از رشد و رونق لازم بازمی‌ماند و دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش علومی را از دست می‌دهد.

دانش‌ها	ویژگی
«ب» دانش علومی (دانش حاصل از زندگی)	در تعامل با یکدیگر آن را به کار می‌بریم.
دانش علمی	«الف» قدرت دفاع از حقایق موجود در شناخت علومی را دارد.
«پ» دانش علومی و دانش حاصل از زندگی	به سبب عادت، ممکن است از نظر ما پنهان بماند.

در اوایل قرن بیستم میلادی عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند که به جای «موضوع» علوم بر «روش» علوم تأکید کردند. آن‌ها گمان کردند تنها روش کسب علم، حس و تجربه حسی است و با سخن‌گفتن از وحدت روش علوم، به تدریج این برداشت را دامن زدند که تنها «علم تجربی» علم است؛ آنان سایر علوم، مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را غیرعلمی نامیدند و در حوزه علوم انسانی و اجتماعی نیز فقط دانش‌هایی را که با تجربه قابل اثبات باشد، معتبر قلمداد کردند.